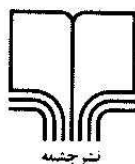


کشف ذهن
جلد سوم

فروید، آدلر و یونگ

والتر کوفمان

ترجمه‌ی
فریدالدین رادمهر



www.ketab.ir

سرشناسه: ۳۶ - ۱۹۸۰ - ۱۹۴۱ م.

Kaufn. v. Walter Araold

عنوان و نام پدیدآور: جروید، یونگ و آدل - والتر کوفمان: ترجمه‌ی فریدالدین رادمهر

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۶۶

مشخصات ظاهری: ۶۵۵ ص.

قروست: کشف ذهن: ۳

شابک: ۱ - ۹۲۹ - ۳۲۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه‌ی بخش سوم از کتاب "Discovering the mind" است.

موضوع: فلسفه‌ی ذهن - تاریخ

موضوع: Philosophy of mind--History

موضوع: درون‌نگری (نظریه‌ی شناخت) - تاریخ

موضوع: Self-Knowledge, Theory of--History

موضوع: فلسفه‌ی آلمانی

موضوع: Philosophy, German

شناسه‌ی افزوده: رادمهر، فریدالدین - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ف۴ ک۲ / ۳ / ۴۱۸ BD

رده‌بندی دیویی: ۱۹۳

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۱۸۰۵۶۱



cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: فلسفه

فروید، آدلر و یونگ
کشف ذهن
(جلد سوم)
والتر کوکمان
ترجمه‌ی فریدالدین رادمهر
ویراستار: فاطمه حمصیان

لیتوگرافی: باختر
چاپ: دالاهو
نیراز: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶، تهران
نشری چاپ: یوسف امیرکیان
حق نشر محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.
هرگونه اقتباس - محاذ از این اثر - به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۹۱-۰۱

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه:

تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید - م، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۸۲۰ ۰۰

کتاب‌فروشی نشر چشمه - ۴ - م.حان

تهران، خیابان کریم‌خان زند، تیس میرزای شیراز، شمال - ۱۰.
تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی گورش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، تیس خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری نورش، طبقه ۵ واحد ۴.
تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ - ۹۰

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، ترسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، تیس - بان فخرمقدم،
مجتمع تجاری آرن، طبقه ۲.
تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی بابل:

بابل، خیابان شریعتی، روبه‌روی شیرینی‌سرای بابل.
تلفن: ۳۲۴۷۶۵۷۱ (۰۱۱)

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی پریس:

تهران، پاسداران، تیس گلستان یکم، مجتمع پریس، طبقه ۲.
تلفن: ۹۱۰۰۱۲۵۸

فهرست

۹	مقدمه‌ی مرحوم سار...
۱۵	مقدمه بر نسخه‌ی اجرایی
۶۷	مقدمه
۷۳	بخش اول: فروید و علم تغذی او
۲۶۹	بخش دوم: گسستِ آدلر از فروید
۴۰۹	بخش سوم: کشف ذهنِ یونگ
۵۵۳	بخش چهارم: یونگ و پاسخ به ایوب
۵۸۷	بخش پنجم: ذهن و نقاب
۶۴۳	کتاب‌شناسی

مقدمه

۱- هیچ‌احدی به اندازه فروید به کشف ذهن یاری نکرده است اما درعین حال باید به بعد از او نیز ناظر باشیم. آدلر و یونگ، درست در زمانی که فروید هنوز زنده بود، کوشیدند به تدریج از وی بی‌سرتر گردیدند، اما آهسته و با اکراه به این نتیجه رسیدند که ایشان بیش از آن‌که ما را به کشف ما از خود و دیگران یاری دهند، مانع آن نیز شده‌اند. شگفتا که آدلر و یونگ به‌فراوان درک درستی از خود و معرفت خویش نداشتند بلکه تصویری از فروید ارائه دادند که بیشتر به کاریکاتور شبیه بود.

امروزه فروید واقعی در دل همه‌ی افسانه‌ها سیمایی بس تیر و تار دارد. او را عمدتاً متفکری جزئی می‌شناسند که شاگردانی را که جرئت داشتند با وی مخالفت کنند طرد و تکفیر کرد. به‌علاوه، بارها و بارها او را چونان اندیشمند محل اعتنا قرار داده‌اند که ریشه در ماتریالیسم تقلیل‌گرای قرن نوزدهم داشت. دیگران باور دارند سررشته‌ی تفکرات وی را بی‌شک باید در شهری جست‌وجو کرد که در اوایل قرن بیستم در آن می‌زیست: وین.

این افسانه‌ها و افسانه‌های دیگر از این نوع در کتاب حاضر جایی ندارند و فروید و مساعده‌های وی را به گونه‌ای بس متفاوت نشان خواهد داد. این کتاب، پیش از آن‌که به آدلر و یونگ بپردازد تا قرائت جدیدی از شخصیت و اندیشه‌های این دو عرضه دارد، با شخصیت و افکار این مرد سروکار دارد.

از نظر اهل تحقیق، تخریب خطاهای وسیعاً مشترک می‌تواند در خود خاتمه یابد، بیشتر بدان سبب که گاهی تمامی افسون‌های مؤثر را دارند. اصولاً همان‌طور که تمامی سرنخ‌ها گردآوری می‌شوند، تصویری کاملاً جدید ظاهر می‌شود و عاقبت از این‌که حکایتی درست به دست آمده است رضایت‌مندی به دست می‌آید. نظاره بر این واقعیت که فروید، آدلر و یونگ از مسحورکننده‌ترین شخصیت‌های زمانه بودند بسی شورانگیز است به‌خصوص کشف آن‌چه واقعاً شبیهش بودند، این‌که چگونه اذهانشان کار می‌کرد، چه‌سان بر یکدیگر تاختند و اسباب آشوب هم را فراهم ساختند و عاقبت این‌که به چه سبب از هم جدا افتادند. اسناد منتشرشده‌ی اخیر نظیر مکاتبات فروید، نامه‌های یونگ و گزارش‌های مندرج در خلاصه‌ی مذاکرات انجمن روان‌کاوان شهر وین، جملگی به ما فرصت می‌دهد تا بنگریم چه‌سان این کتب به‌ظاهر محققانه چیزی جز افسانه‌ها، غلط رایج ندادند و من هدفم آن است که به ثبت درست وقایع دست یازم.

۲- به‌هرحال این بُعد تاریخی غلط یک جنبه از چیزی است که در پی خواهد آمد. چرا نگذاریم مُرده‌ها مُرده‌ها را دفن کنند؟^۱ چرا باید زحمت بر خود هموار کنیم و به سراغ سه تن از روان‌شناسان ردیم که چندین دهه قبل می‌زیستند و به زبان آلمانی می‌نوشتند، درحالی‌که هزاران روان‌شناس اینک به زبان‌های متفاوت می‌نویسند؟

یک دلیل برای آن‌که باید در وصف این سه تن مطابق نبشت آن است که کتاب‌های فراوانی که امروزه روان‌شناسان می‌نویسند بسیار تخصصی هستند، درحالی‌که مساعدت فروید به روان‌کاوی هنوز می‌تواند به ما یاری رساند و اگر آن‌ها را درست به کار بندیم، به درک بهتری از خود و دیگران نایل خواهیم گشت.

۱. اشاره‌ی ملیحی به گفته‌ی حضرت مسیح (ع) است: «دیگری از شاگردان مسیح بدو گفت: "خداوند، اول مرا رخصت ده تا رفته‌بدر خود را دفن کنم؛" عیسی وی را گفت: "مرا متابعت کن و بگذار که مردگان، مردگان خود را دفن کنند."» انجیل متی، باب ۸، آیه‌ی ۲۲-م.

البته این فقط در روان‌شناسی نیست که سروصدای بسیار اصل قضیه را در خود خفه کرده است. همین نکته دقیقاً در سایر حوزه‌های معرفتی نیز مصداق دارد که شامل فلسفه، ادبیات، تاریخ و نقد ادبی نیز می‌شود. در حقیقت، در برخی ضوابط مدرسی و آکادمیک شاید فقط کار حرفه‌ای مد نظر است و نه طنین حقیقت.

افکار فروید و آدلر و یونگ در صفحات پیش رو، به طور انتقادی ارزیابی خواهند شد و من دلیل خواهم آورد که برخی نظریات فروید و نیز روان‌درمانی که او بسط و گسترش داد شاید اندکی کهنه به نظر آیند، اما به هر حال او مساعدت عالی می‌فراهم آورد که می‌تواند فاش گفته شود. او کوشید در عمل نشان دهد که مری سبب ارتقا یا مانع کشف ذهن می‌شود و این می‌تواند به درک ما از خود و دیگران یاری رساند.

۳- چیزی که بیش از هر چیز دیگر مرا به روشن شدن این اثر واداشت سومین بُعد است. اگر بخواهیم چگونگی کشف اذهان دیگران را نشان دهیم هیچ راهی بهتر از این نیست که آن را در معدودی موارد نشان دهیم و این همانی است که در این جا قصد دارم انجام دهم. همان‌طور که واضح و روشن است رویه و روش من بالکل با سبک فروید و حتا یونگ و آدلر تفاوت دارد. من فرویدی نیستم و نیز، تعلق به مکتب یونگ و آدلر ندارم.

به جای آن‌که به دفاع از روش خویش برخیزم، در منطق و اصل متزاع و غوام می‌روم به این امید که تصاویری که این سه تن از مساعدت‌های‌شان در کشف ذهن ارائه می‌دهند حکایت از خود ایشان دارد. اگر این گزارش جدید قابل قبول‌تر از آنی به نظر آید که من می‌پندارم، اینک این سؤال مطرح می‌شود که دقیقاً در کجا فرضیه‌های من از موضوع تحقیق من تفاوت می‌یابند؟ این پرسش به اختصار در آخرین فصل این کتاب محل بحث قرار خواهد گرفت.

۴- این کتاب را می‌توان به سهولت فارغ از دو مجلد پیشین مطالعه کرد اما فصل آخر، که به مثابه‌ی استنتاج و جوهر کامل این سه گانه است، مختص جلد حاضر نیست.

این کتاب از سه نفر حکایت می‌کند. یکی از عجیب‌ترین نکات این کتاب آن است که آدلر و یونگ فروید و خودشان را بسیار بد درک کردند. سوءفهم ایشان از فروید از آن روست که ناکام بودند که ببینند او فرزند معنوی چه کسی بوده است. به عبارت بهتر، آنان در تبار وی گمراه گشتند. شاید کسی بیندارد که این نکته چندان اهمیت ندارد اما در واقع این ماجرا جمیع تفاوت‌ها را روشن می‌سازد.

آنان را متفکری جزم‌اندیش دیدند درحالی‌که وی عملاً یک شکاک تمام‌عیار بود و آنان می‌پنداشتند منشأ افکار وی در ماتریالیسم قرن نوزدهم نهفته است، حال آنکه در واقع او در سستی بالکل متفاوت قرار داشت. بلندترین قله‌های این سنت، گرنه نیامه، قهرمانان جلد اول و دوم این سه گانه بودند. جای دادن فروید در دل این سنت در ابتدای این کتاب مطرح خواهد شد. بارها چنین به نظر می‌رسد که گریزی جزئیات ماجرا به موضوع ربطی نداشته باشند و شاید فقط مورد علاقه‌ی اهل تاریخ باشند. اما همان‌طور که جزئیات در یک داستان کارآگاهی شاید ربط مشکوکی ماجرا داشته باشند، تا آن‌که مدت‌ها بعد کسی دریابد که این جزئیات بسیار مهم بود. بدین‌سان این‌جا نیز بسیاری از مباحث فصول اولیه حایز اهمیت بسیار هستند؛ در سراسر کتاب که به بررسی آدلر و یونگ می‌پردازیم.

با نظر به گذشته، با بی‌حوصلگی از خود می‌پرسم آیا نمی‌شد بسیاری از نقل‌قول‌ها، پاورقی‌ها و حواشی را حذف کرد و چرا من به سادگی فقط نتیجه‌ی مطالعات خود را باز نمی‌گویم؟

البته این پندوانداز خوبی است برای آن‌کس که قصد دارد فقط حکایتی شنیدنی و جالب را برای سرگرمی و تفریح بازگوید، اما دریغا که این نصیحت به

کار آن کس نخواهد آمد که قصد دارد حکایتی دیگر نقل نماید. البته امیدوارم که مطالعات آتی درباره‌ی این سه تن و نحوه‌ی ارتباط ایشان با یکدیگر بر محاسن این کتاب بیفزاید.

به هر تقدیر، شاید این نکته‌ی جالب در علم روان‌درمانی نیز به چشم بخورد. معمولاً هستند کسانی که فریاد برمی‌آورند: چرا باید این همه درازگویی کرد؟ چرا به سادگی این شکیبایی نمی‌گویید مطلب چیست؟ دست‌کم دو پاسخ به این پرسش می‌توان داد: نخست، برای صبوران بسی مهم است چیزی برای خود کشف کنند؛ به عبارت دیگر، شاید نتوانند استنتاج مزبور را بی مقدمه پذیرا شوند؛ دوم آن‌که خواننده در این قضایای تاریخی اندکی مزاح به دست می‌آورد.

اگر این دو پاسخ نتواند ذهن و پولی را که خواننده‌ی صبور و هشیار صرف کرده است تا محصولی سرب‌افرازم آورد توجیه کنند، شاید اهل تحقیق نیز بر آن روند که آیا این همه تفصیل و بسط جزئیات مطالعات وی نوعی زیاده‌روی نیست؟ من امیدوارم خواننده بپذیرد چنین نیست.

عاقبت ذکر این مطلب لازم است که تمامی ترجمه‌ها از متن آلمانی به انگلیسی از خود من است. شاید برخی از آن‌ها اندکی عجیب و غریب به نظر رسند زیرا همگان می‌پندارند که ترجمه‌های رسمی آثار فروید یونگ کاملاً رضایت‌بخش‌اند. در حقیقت، تمامی تحقیقاتی که درباره‌ی این دو تن انجام شده است اینک به زبان انگلیسی موجود است و همه‌ی نویسندگان غیرمربوطی می‌دانند که آن‌ها را با اصل متن مقابله کنند. این مطلب، همان‌گونه که خواهیم دید، یکی از شواهدی است که نشان می‌دهد چرا افسانه‌ها این قدر طویل حیات می‌یابند.